

واقعیت آرای باطله

عباس عبدي

درباره آرای باطله این دوره از انتخابات زیاد سخن گفته شده است، هرکس درباره آن تحلیلی و توصیفی دارد. در این یادداشت می‌کوشم که واقعیت ماجرا و اینکه این آرا از کجا پیدا شده است را به دقت توضیح دهم البته تحلیل آن بماند برای خوانندگان.

مطابق ماده 25 قانون انتخابات ریاست‌جمهوری:

- در موارد ذیل با تأیید هیات نظارت یا نماینده وی برگه‌های رأی باطل ولی جز آرای مأخوذه محسوب و مراتب در صورتجلسه قید و آرای مذکور ضمیمه صورت جلسه خواهد شد:

1- آرای غیر قابل خواندن.

2- آرای که از طریق خرید و فروش به دست آمده باشد.

3- آرای که دارای نام رأی‌دهنده، یا امضا یا اثر انگشت وی باشد.

4- آرای که کلاً حاوی اسامی غیر از نامزدهای تأییدشده باشد.

5- آرای که سفید به صندوق ریخته شده باشد.

پس همه این موارد در ذیل آرای مأخوذه شناخته می‌شوند. ولی این ربطی به برگه‌های رای یا تعرفه‌های داده‌شده به مردم ندارد. این آرا می‌تواند از تعداد تعرفه‌های داده‌شده به مردم کمتر باشد ولی نمی‌تواند بیشتر باشد. فرض کنید که در یک حوزه رای‌گیری 100 تعرفه به مراجعه‌کنندگان قانونی داده شده است. ولی 95 برگه رای در صندوق هست. این پذیرفتنی است زیرا 5 نفر به هر دلیلی نخواستند برگه‌های رای را داخل صندوق بیندازند. ولی اگر 105 برگه رای در صندوق باشد این 5 رای به کلی از شمول آرای مأخوذه خارج است.

آرای ریخته‌شده در صندوق‌ها مأخوذه حساب می‌شوند (اگر متقلبانه نباشد که در قانون آمده است) و طبق ماده 13 همین قانون رییس‌جمهور باید اکثریت مطلق این آرا را به دست آورد. در انتخابات گذشته به‌طور میانگین این آرای باطله حدود دو درصد و در یکی، دو مورد به 3 و 4 درصد هم رسید. این رقم غیرطبیعی نیست، زیرا اشتباه در نوشتن یا تعمد در مخدوش نوشتن برای دو درصد رای‌دهندگان طبیعی است. آنان کسانی هستند که می‌خواهند مهر رای دادن در شناسنامه آنان بخورد ولی دوست ندارند رای دهند یا حتی به علل دیگری رای خود را مخدوش می‌نویسند.

پس چرا در این دوره چنین زیاد شد و در برخی استان‌ها بسیار بالاتر

رفت؟ علت را در سیاست رسمي براي افزايش آرا بايد جستوجو کرد. تمامي نظرسنجيها نشان مي‌داد که تعداد شرکت‌کنندگان به 40 درصد نخواهد رسید. بنا براین بايد چاره‌اي انديشيده ميشد. در آخرين نظرسنجي ايسپا هنگامي که از مردم پرسيده شده است که راي مي‌دهيد يا خير، حدود 9 درصدشان گفته‌اند که در انتخابات شوراها شرکت مي‌کنند ولي در انتخابات رياست‌جمهوري خير. اين درصد در انتخابات گذشته رياست‌جمهوري بسيار اندک بود زيرا انتخابات رياست‌جمهوري بسيار پرشور بود و مردمی که پاي صندوق راي مي‌آمدند، معمولاً به شرکت در آن علاقه داشتند. لذا مساله‌اي پيش نمي‌آمد. اين بار هم مساله‌اي پيش نمي‌آمد، ولي يك اتفاق آن را تبديل به مساله کرد. هنگام مراجعه به حوزه اخذ راي بايد از مردم پرسيده ميشد که در کدام انتخابات مي‌خواهند شرکت کنند؟ و فقط برگه همان انتخابات را بدهند. کاري که در گذشته انجام ميشد. ولي اين بار به نحوي خارج از اين پرسش هر دو برگه راي (و در برخي جاها تعداد بيشتري، مثل تهران 4 مورد) را به مردم داده‌اند. طبيعي است که حدود 9 درصد کل مردم نمي‌خواسته‌اند در انتخابات رياست‌جمهوري شرکت کنند، ولي برگه راي را گرفته‌اند. اين 9 درصد از کل مردم در انتخاباتي که حدود 50 درصد مردم شرکت کنند، مشارکت را به 41 درصد ميرسانند. اين گروه سه رفتار را در پيش گرفته‌اند. برخي راي درست داده‌اند و نام يکي از 4 نفر را نوشته‌اند، برخي برگه راي را سفيد يا با نام بيزبط به نامزدها يا جملاتي ديگر نوشته و به صندوق انداخته‌اند و برخي نيز آن را در جيب خود گذاشته يا پاره کرده‌اند. تعداد اين افراد بايد حدود 18 درصد کل راي‌دهندگان باشد (9 درصد کل مردم که در نيمي از مردم که راي‌دهنده هستند ميشود 18 درصد) اين 18 درصد در عمل سه گروه شده‌اند. حدود يك درصدشان برگه‌هاي راي را در صندوق نینداخته‌اند، 13 درصدشان راي باطل و مخدوش داخل صندوق انداخته‌اند و 4 درصدشان راي درست داده‌اند. جالب است در انتخابات شوراها برخي شهرها آراي باطله بيش از آراي نفر اول است. علت نيز روشن است. همين اصرار به دادن برگه راي به کساني است که با هدف مشارکت در انتخابات رياست‌جمهوري آمده بودند ولي به اجبار برگه شوراها را هم دريافت کردند و چون نامزدهاي آن انتخابات بسيار متعدد بودند در نتيجه راي نفر اول کمتر از آراي باطله شده است. مشکل آمار وزارت کشور از همين جا شروع ميشود. زيرا تعداد شرکت‌کنندگان را به صورت برخط از سامانه اينترنتي توزيع تعرفه‌هاي انتخاباتي اعلام مي‌کردند. آن 9/28 ميليون نفر همان تعرفه‌هاي توزيع شده است ولي به لحاظ قانوني فقط مي‌توانند آراي داخل صندوقها را اعلام کند که 440 هزار کمتر از رقم مزبور است و اين رقم حدود 8/0 درصد مشارکت را کم

می‌کند. این نحوه اعلام رای نادرست است. وزارت کشور باید آرای
ماخوذه از صندوق و نه تعداد تعرفه‌های توزیع‌شده را منتشر کند. ولی
برای افزایش حتی اندک در میزان مشارکت، دو هزینه سنگین را
پذیرفتند. اول عدم تطابق در جمع آرا، دوم تعداد بسیار بالای آرای
باطله که هر دو مورد هزینه سنگینی بود. البته يك نفع دیگر هم
داشت. کم کردن نسبت آرای آقای ریسی به حدود 62 درصد، تا گفته
شود که انتخابات رقابتی بوده است. با این ملاحظات اگر قرار بود
مثل گذشته عمل می‌شد، به‌طور طبیعی مشارکت در همان حد پیش‌بینی شده
41-42 درصد بود و آرای باطله نیز همان حدود 2 تا 4 درصد بود و
هیچ مشکلی هم در آرایه آمار پیش نمی‌آمد.

واقعیت آرای باطله همین است.

تعداد آرای باطله: 1400 نفر، 1 نفر از 1400 نفر